کیهان

دوشنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۲ □ ۲۵ صفر ۱۴۴۵ □ ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۳ □ شماره ۲۳۳۹۳

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۰۱، اذان مغرب: ۱۸/۳۶، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۹، اذان صبح (فردا): ۴/۱۹، طلوع آفتاب (فردا): ۵/۴۴

ادامه نفت‌دزدی‌های آمریکا از سوریه
۹۰ تانکر دیگر از نفت مردم این کشور به سرقت رفت

در ادامه سریال سرقت‌های اشغالگران از سوریه، نظامیان آمریکایی در اقدامی جدید بیش از ۹۰ تانکر حاوی نفت را از میادین نفتی سوریه به عراق قاچاق کردند.

نظامیان آمریکایی مستقر در سوریه، روز یکشنبه، مثل روال گذشته خود، ده‌ها تانکر حاوی نفت سرقت‌شده از سوریه را به عراق قاچاق کردند. خبرگزاری سوریه (سانا) به نقل از منابع محلی در منطقه «الیعربیه» (شمال‌شرق سوریه) خبر داد نظامیان آمریکایی، صبح امروز، کاروان جدیدی را از گذرگاه غیرقانونی «المحمودیه» به عراق ارسال کردند که ۴۰ تانکر حاوی نفت سرقتی از میدان‌های نفتی شرق سوریه به همراه این کاروان به عراق قاچاق شد. آن‌طور که فارس نوشته، به گفته منابع محلی، آمریکایی‌ها چند ساعت بعد نیز یک کاروان متشکل از ۵۵ تانکر را از طریق گذرگاه المحمودیه طی چند مرحله به عراق ارسال کردند که این کاروان نیز نفت سرقت‌شده از سوریه را به عراق قاچاق می‌کرد.

افزایش خودکشی در کره جنوبی به دلیل مشکلات اقتصادی

میزان خودکشی در نیمه اول سال جاری میلادی در کره‌جنوبی حدود ۹ درصد افزایش داشته و عمده‌ترین علت برای این خودکشی‌ها مشکلات مالی ذکر شده است.

براساس اطلاعات یکی از آژانس‌های محلی جلوگیری از خودکشی در کره‌جنوبی در مجموع ۶ هزار و ۹۳۶ نفر از ماه ژانویه تا ژوئن (دی ۱۴۰۱ تا خرداد ۱۴۰۲) اقدام به خودکشی کردند که این آمار، افزایشی ۸.۸ درصدی نسبت به زمان مشابه سال گذشته دارد. دلیل اصلی این موضوع مشکلات مالی پس از همه‌گیری کرونا است. به گزارش ایرنا، کره‌جنوبی بیشترین میزان خودکشی را در میان ۳۴ نظرسنجی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه دارد و از سال ۲۰۰۳ مقام اول را به خود اختصاص داده است. گفتنی است، کارشناسان معتقدند میزان خودکشی معمولاً در زمان وقوع بحران‌ها بالا نیست، چرا که مردم احساساتی مشابه از جمله اتحاد برای غلبه بر بحران و شفقت با یکدیگر را به اشتراک می‌گذارند، اما پس از پایان بحران مردم تنها می‌مانند.

به بهانه ۵۰ سالگی کودتای خونین آمریکا در شیلی

قتلگاهی به بزرگی یک استادیوم فوتبال!

سرویس خارجی-

امروز ۲۰ شهریور برابر با ۱۱ سپتامبر، همان‌طور که سالروز حملات سال ۲۰۰۱ به برج‌های دوقلوی نیویورک است، سالروز کودتای خونین آمریکایی ۱۹۷۳ شیلی نیز هست که علیه دولت مردمی آلنده صورت گرفت.

معمولاً ۱۱ سپتامبر برای مردم جهان یادآور حملات به برج‌های دوقلو در نیویورک و پنتاگون آمریکا است. آمریکایی‌ها این رویداد را تبدیل به نمادی برای «مظلومیت» خود کردند و از آن بهره‌ها بردند که بررسی آنها مجال دیگری می‌طلبد که یکی از آنها اشغال ۲۰ ساله افغانستان بود که با آن شکل شرم‌آور نیز به پایان رسید و افغانستان دوباره تقدیم به طالبان شد. اما از سال ۲۰۰۱ و این حملات کمی عقب‌تر برویم، به سال ۱۹۷۳ یعنی ۵۰ سال پیش، زمانی که کودتایی آمریکایی علیه یک دولت مردمی در آمریکای جنوبی به وقوع پیوست.

کودتای ۱۹۷۳ شیلی کودتایی نظامی علیه دولت وحدت مردمی رئیس‌جمهور «سالوادور آلنده» بود. در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ (۲۰ شهریور ۱۳۵۲)، پس از یک دوره طولانی ناآرامی اجتماعی و تنش سیاسی میان کنگره تحت کنترل مخالفان و رئیس‌جمهور سوسیالیست این کشور، و نیز در بحبوحه جنگ اقتصادی که به دستور رئیس‌جمهور وقت آمریکا «ریچارد نیکسون» آغاز شده بود، گروهی از افسران نظامی به رهبری ژنرال «آگوستو پینوشه» قدرت را در یک کودتای خونین به دست گرفتند و به حکومت دموکراتیک پایان دادند. زمانی که بخشی از ملت شیلی مقابل کوتاچیان مقاومت کرد و در کنار آلنده ایستاد، کشتاری بی‌سابقه به راه انداختند و جمعیت بزرگی را به استادیوم بردند و همه را زیر شکنجه گرفته و به رگبار بسته و قتل‌عام کردند؛ یعنی نه‌تنها آلنده که بسیاری از هواداران او نیز کشته و عده‌ای نیز مفقود شدند. شمار کشته‌ها هیچ‌گاه به‌طور دقیق معلوم نشد اما برخی منابع مانند «نیویورک‌تایمز» نوشته‌اند، در این جنایت هولناک نزدیک به ۲۰ هزار زن و مرد کودک قتل عام شدند.

از زمان کودتای شیلی تا حدود ۱۰ سال پیش اسناد و اطلاعات محرمانه سیا و وزارت خارجه آمریکا مربوط به این برهه از تاریخ این کشور (که نقش آمریکا در این کودتا را هویدا می‌کرد) محرمانه و غیرقابل دسترس بودند، تا اینکه طبق قانون آزادی اطلاعات که امکان دسترسی به برخی از اطلاعات و اسناد محرمانه را با استثناهایی فراهم می‌آورد، مجموعه‌ای از اسناد مربوط به سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶، به درخواست آرشیو امنیت ملی (NSA) در اختیار آنها قرار گرفت و سپس منتشر شد. البته در همان زمان هم انتشار اخباری مبنی بر دخالت آمریکا و سیا در این کودتا به رسوایی‌ای بزرگ انجامید و مجلس سنای این کشور خواهان تحقیق و بررسی جامع و دقیق در این‌باره شد. همان زمان معلوم شده بود که رئیس‌جمهور وقت آمریکا، ریچارد نیکسون به سیا دستور داده که «فریاد اقتصاد شیلی را درآورند» تا «از به قدرت رسیدن آلنده جلوگیری شود یا اینکه او را از مسند قدرت پایین بکشند».

اگر کمی دقت تاریخی به خرج دهیم ۱۱ سپتامبر باید یادآور دخالت‌های آمریکا در حیاط‌خلوت خیالی خود باشد. شیلی تنها کشوری نیست که قربانی «کودتای آمریکایی» شده است؛ آرژانتین، برزیل، بولیوی، کاستاریکا، پاناما، نیکاراگوئه و... همه قربانی دخالت‌های خونین آمریکا در کشورشان بوده‌اند که اگر یک طرف ماجرای آن مقابله با دولت‌های چپ و سوسیالیستی بوده، طرف دیگرش اما مقابله با دولت‌های دموکراتیک بود. مشارکت آمریکا در سیاست «تغییر رژیم» در آمریکای لاتین شامل کودتاهایی به رهبری یا حمایت آمریکا بود که هدف آن جایگزینی رهبران چپ با رهبران راست، حکومت نظامی یا دیگر رژیم‌های مستبد بود. تغییر رژیم‌های مکرر توسط آمریکا در دوره‌ای از تاریخ آمریکای لاتین پس از امضای معاهده پاریس در پی جنگ اسپانیا و آمریکا آغاز شد و نهال کم‌جانِ دموکراسی در این قاره را خشک کرد. نفوذ آمریکا در آمریکای لاتین درواقع به نام مبارزه با کمونیسم و به کام استبداد بود.

چالش «سن» در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا

سرویس خارجی-

نگرانی از وضعیت جو بایدن که با نارضایتی گسترده از مسئله سن بالای او تشدید شده است، احتمال رقابت جانشینان جوان‌تر را مطرح کرده است. از آن‌سو یکی از نامزدهای انتخابات این کشور گفته است، مردم به کسی رأی دهند که بتواند دوران ریاست‌جمهوری‌اش را به اتمام برساند!

تب انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا رفته‌رفته بالا می‌گیرد و بایدن رئیس‌جمهور مستقر دموکرات باید با دو چالش اساسی که به همدیگر مربوط نیز هستند دست‌وپنجه نرم کند. وی به‌شدت نامحبوب است و در نظرسنجی‌ها نیز میزان حمایت‌ها از وی و عملکردش به سختی به ۴۰ درصد می‌رسد. در این میان مشکل سالخورگی و زوال عقل وی نیز مزید بر علت شده است. به عقیده کارشناسان این مشکل بیش از رقبای جمهوری‌خواه، وی را تهدید می‌کند. انتشار فیلم‌ها و تصاویر متعدد از رفتارهای عجیب و غریب بایدن، زمین خوردن او در صحنه‌های مختلف و جملات پرت‌وپلای او در پاسخ به برخی سؤالات خبرنگاران صلاحیت‌های ذهنی لازم وی را برای انجام وظایف ریاست‌جمهوری به‌شدت زیر سؤال برده است.

برخی رسانه‌های آمریکایی نوشته‌اند با تشدید بیماری زوال عقل بایدن و افزایش نگرانی‌ها درباره توانایی وی برای اداره نهاد ریاست‌جمهوری آمریکا همه چشم‌ها به «کامالا هریس» دوخته شده است. وی هفته گذشته در مصاحبه با خبرگزاری آسوشیتدپرس به صراحت گفت که آماده است جانشین بایدن شود. با این وجود محبوبیت هریس در نظرسنجی‌ها حتی بدتر از رئیسش است. در نظرسنجی اخیر «اکونومیست» و «یوگاو» ۵۵ درصد از شرکت‌کنندگان گفته‌اند بایدن و هریس هیچ‌یک محبوب نیستند. تنها ۴۱ درصد گفته‌اند بایدن رئیس‌جمهوری محبوب است و ۳۶ درصد هم نگاه مثبتی به هریس داشته‌اند.

در این بین نشریه «هیل» نیز در گزارشی با اشاره به سالخوردگی بایدن نوشته است که نامزدهای جوان‌تر در حزب دموکرات به صف شده‌اند تا جانشین بایدن شوند. به گزارش ایرنا، در گزارش این نشریه آمریکایی می‌خوانیم: «در آمریکا، شکست دادن رئیس‌جمهوری که روی کار است در انتخابات مقدماتی حزب بسیار دشوار است و بعید به نظر می‌رسد که رابرت اف‌کندی جونیور و ماریان ویلیامسون دو نامزد مخالف آشکار بایدن به‌راحتی بتوانند موفق شوند... هرچند که بیشتر دموکرات‌ها اکنون رویای جایگزین شدن نامزدی جوان‌تر با بایدن را در سر دارند، این رویا در صورتی تحقق می‌یابد که بایدن کناره‌گیری کند یا تغییری غیرمنتظره در اوضاع ایجاد شود.» براساس این گزارش نگرانی‌ها درباره سن بایدن و محبوبیت پایین او نه‌تنها کاهش نیافته بلکه روزبه‌روز بیشتر می‌شود. نظرسنجی مشترک «سی‌ان‌ان» و «اس‌اس‌آراس» در این هفته نشان داد که تنها ۳۹ درصد از افراد بزرگسال در آمریکا، عملکرد بایدن به‌عنوان رئیس‌جمهور را قبول دارند که پایین‌ترین درصد در بیش از یک سال گذشته است.

براساس این نظرسنجی، تقریبا سه‌چهارم مردم آمریکا معتقدند بایدن فاقد انرژی و تزیینی لازم برای انجام موثر امور به‌عنوان رئیس‌جمهور است.در بین دموکرات‌ها و رأی‌دهندگان مستقل با گرایش به حزب دموکرات، ۶۷ درصد اظهار داشتند که این حزب باید فرد دیگری را به‌عنوان نامزد خود در انتخابات ۲۰۲۴ انتخاب کند. با این وجود بیشتر دموکرات‌ها بر این باورند که بایدن با ۸۰ سال سن نامزد این حزب در انتخابات آتی خواهد بود. اما اگر اوضاع تغییر کند و بایدن تصمیم به کناره‌گیری بگیرد پنج نفر از رقبای جوان‌تر در صف قرار دارند. به گفته این نشریه کامالا هریس، گاوین نیوسام، پیت بوتیجج، گرچن ویتمر، الکساندریا اوکاسیو کورتس این پنج نامزد هستند.

برادرزاده جان اف‌کندی نیز با اشاره غیرمستقیم به کهولت سن جو بایدن، گفت که مردم آمریکا باید به فردی رأی دهند که بدانند می‌تواند دوره چهارساله ریاست‌جمهوری را به پایان برساند. به گزارش ایسنا، به نقل از وب‌سایت روزنامه هیل، «رابرت اف.کندی جونیور» این سخنان را در واکنش به اظهارات کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا مطرح کرد که گفته بود آماده است تا «در صورت نیاز» رئیس‌جمهوری آمریکا شود. کندی گفت: «اگر کامالا هریس فکر می‌کند که باید رئیس‌جمهور شود، وارد عرصه شود و بیاید تا رقابت کنیم.» این اظهارات کندی در حالی مطرح می‌شود که نگرانی از سلامت و افزایش سن نه‌تنها بایدن، بلکه دیگر رهبران آمریکا افزایش یافته است. «میچ مک‌کانل»، رهبر اقلیت جمهوری‌خواه سنای آمریکا هم در فاصله یک هفته در دو سخنرانی میخکوب کرد و به سکوتی عمیق فرو رفت. همچنین یک سناتور دیگر آمریکایی چندین ماه به‌دلیل ابتلا به بیماری «زونا» در سنا حاضر نشد.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

نسل‌کُشی خاموش
از گورهای جمعی استرالیا تا عقیم‌سازی در سوئد

سرویس خارجی-

خبری شوکه‌کننده این‌بار از استرالیا مخابره شد: کشف ۷۴۰ گور از بومیان که بیشتر آنها کودک و نوزاد هستند؛ این بومیان نیز قربانی ساختار نژادپرستانه‌ای چون کانادا هستند که تا حدود ۵۰ سال پیش در این کشور ادامه داشت. حالا باید این اخبار را کنار خبرهایی گذاشت که سال‌ها عقیم‌سازی و نسل‌کُشی در سوئد را افشا می‌کند، تا آن سوی تاریک غرب بیشتر هویدا شود.

وقتی از فاشیسم و سیاست‌های فاشیستی سخن به میان می‌آید معمولاً اذهان متوجه آلمان نازی می‌شوند، اما باید توجه داشت که سیاست فاشیستی بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ نژادپرستانه‌ای است در سراسر غرب مدرن جاری بوده است. سال‌هاست که بومیان و فعالان حقوق بومیان در کانادا در حال کشف و معرفی مظلومیت بومیان کانادا (که طرف دیگرش کشف بیش از پیش تاریخ نژادپرستی غرب است) هستند. در ماه مه و ژوئن ۲۰۲۱ (اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۰) بقایای اجساد صدها نفر از بومیان، از جمله صدها کودک، در گورهای جمعی نزدیکی محل سابق چهار مدرسه شبانه‌روزی بومیان کانادایی در استان‌های مانیتوبا، بریتیش کلمبیا و ساسکاچوان کشف شد. گورهای بی‌نشان کشف‌شده از آن زمان تاکنون به حدود تقریباً هزار و ۴۰۰ گور رسیده است (عمدتاً کودک) و روند کشف گورها همچنان ادامه دارد. درواقع تمام این تلاش‌ها «تاریخ نژادپرستی» غرب را هویدا می‌کند که خروجی آن یک «نسل‌کُشی مستمر و خاموش» بومی‌ها بوده است.

حالا چنین خبرهایی از استرالیا مخابره شده است. بیش از ۷۴۰ نفر از «ملل اول» (ساکنان بومی استرالیا)، که بیشتر آنها بسیار جوان هستند، بدون هیچ سابقه و نشانه‌ای در «رودخانه مور، کارولاپ و نیو نورسیا» در غرب استرالیا دفن شده‌اند. آن‌طور که میزان نوشته است، تحقیقات گاردین نشان می‌دهد که احتمالا ۴۰۰ کودک و نوزاد بومی در گورهای بدون علامت در ۳ مکان در استرالیای غربی دفن شده‌اند و بیشتر آنها در زمان مرگ ۵ سال یا کمتر سن داشتند. این بومیان در طول چندین دهه، به احتمال زیاد در ۳ کلیسا و مکان‌های دولتی دفن شده‌اند.

پایگاه گاردین استرالیا می‌گوید یک سال گذشته را صرف تحقیق در مورد مأموریت‌ها و مؤسساتی در استرالیای غربی کرده است که در آنها کودکانی که از خانواده‌هایشان گرفته شده‌اند به‌عنوان بخشی از «نسل‌های دزدیده‌شده» زندانی بوده‌اند. تا دهه ۱۹۷۰، کودکان بومی به‌عنوان بخشی از سیاست‌های «همگون‌سازی» دولت، گاهی با بزرگسالان به مؤسسات و مراکز نگهداری برده می‌شدند؛ شرایط غیربهداشتی، شلوغ و تیره‌وتار باعث مرگ صدها نفر از این کودکان بومی شده است. یعنی این ساختار نژادپرستانه تا حدود ۵۰ سال پیش نیز ادامه داشته است. این تحقیقات، سوابق عمومی از جمله سوابق تولد، مرگ و ازدواج، سوابق کتابخانه‌های دولتی و گورستان‌های عمومی و گزارش‌های رسانه‌های معاصر را بررسی کرده است.

«لبوت جان هربرت»، رئیس صومعه «بندیکتین»، در این‌باره می‌گوید: «من خیلی نگرانم. این یک موضوع تاریخی است که ما مجبور به مقابله با آن بوده‌ایم، اما می‌توانم به شما اطمینان دهم که متعهد هستیم تا جایی که می‌توانیم کشف کنیم.» او اذعان کرد که تعداد واقعی گورهای بدون علامت ممکن است هرگز مشخص نشود؛ وی می‌گوید: ما تاریخچه پشت آنها را نمی‌دانیم و این چیزی است که می‌خواهیم روی آن کار کنیم.

گفتنی است، در سال ۲۰۱۸، دولت استرالیا و کتابخانه ایالتی «نیوساوث ولز»، صدمین سالگرد سکونتگاه بومی رودخانه «مور» را با پرده‌برداری از دیوار یادبود که نام ۳۷۴ مرد، زن و کودک جان‌باخته بر آن نوشته شده بود، گرامی داشتند؛ این افراد در گورهای بی‌نام و نشان در گورستان رودخانه مور دفن شده بودند.

همچنین گفتنی است، این رفتارها بر مبنای قوانینی نژادپرستانه بوده است که همچنان در این کشور برقرار هستند. تغییر قانون اساسی استرالیا فوق‌العاده دشوار است و اصلاح آن مستلزم کسب تأییدیه در همه‌پرسی از سوی اکثریت رأی‌دهندگان در کل و اکثریت رأی‌دهندگان در دست‌کم چهار ایالت از شش ایالت این کشور است. نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد که استرالیایی‌ها تمایلی به تغییر قانون اساسی خود ندارند؛ این اگرچه صراحتاً نژادپرستانه است و از سوی استعمارگران سفیدپوست نوشته شده است که بومیان را کاملاً از بافت ملی حذف می‌کنند. ایالت‌های استرالیا برای چندین دهه جداسازی رسمی نژادی و یکسان‌سازی اجباری را انجام دادند.

نسل‌کُشی توسط سوئدی‌ها

البته رفتارهای نژادپرستانه یا فاشیستی تنها در کارنامه کانادایی‌ها و استرالیایی‌ها نیست؛ غربی‌ها کارنامه سیاهی در این زمینه دارند. شبکه تلویزیونی یورونیوز در گزارشی به اقدامی عجیب توسط دولت سوئد در یک دوره ۴۰ ساله می‌پردازد که طی آن حاکمان این کشور تلاش کرده‌اند با عقیم کردن افراد ضعیف جامعه مانع از ادامه نسل آنها شوند و از این طریق نسل افراد قوی در این کشور جمعیت غالب سوئد در آینده را تشکیل دهد. سوئد طی پروژه‌ای از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۷۶، حدود ۳۳ هزار نفر از مردم کشورش را عقیم کرد تا نسل‌های بعدی این کشور را افراد قوی‌تر تشکیل دهند! قربانیان به‌دلیل «ناتوانی ذهنی»، «سرکش بودن» یا «نژاد دورگه» مورد عقیم‌سازی قرار می‌گرفتند. مقامات سوئدی بر این باور بودند که در حال ایجاد جامعه‌ای هستند که مورد غبطه جهانیان خواهد بود.» این قانون فاشیستی پس از سال‌ها تحقیق توسط مؤسسه دولتی زیست‌شناسی نژادی اجرا شد. مؤسسه پیشگامی که در سال ۱۹۲۲ تأسیس شد و بعدها آلمان نازی با الهام از سوئدی‌ها آن را اجرا کرد.

«مایا رانسیس»، استاد تاریخ دانشگاه استکهلم که در یک آرشیو دولتی مشغول به کار بود که متوجه وجود آرشیو منطقه‌ای می‌شود که قفل بود و برای عموم قابل دسترس نبود. او متوجه شد که در داخل آن، هزاران مدرک در مورد عقیم‌سازی وجود دارد. اولین مورد مطالعه وی مربوط به دختری ۱۳ ساله بود که به تشخیص یک کشیش که معتقد بود این دختر در دوره‌های تایید دین مسیحیت به اندازه کافی تمرکز ندارد عقیم شده بود! البته در دهه ۱۹۹۰ و به‌دنبال یک تحقیق پارلمانی، دولت سوئد به قربانیان عقیم‌سازی اجباری پیشنهاد پرداخت غرامت داد و با این طرح حدود ۱۵ هزار یورو را برای هر قربانی مقرر کردند. تعداد ۳ هزار پرونده غرامت صادر شد که می‌تواند بسیار کمتر از تعداد افراد مشکوک به عقیم شدن باشد.

پایگاه خبری آمریکایی:

رسانه‌های غرب دروغ می‌گویند، تلفات اوکراین ۴ تا ۵ برابر تلفات روسیه است

سرویس خارجی-

رسانه مستقل آمریکایی با انتقاد شدید از دروغ‌پراکنی رسانه‌های غربی درباره میزان واقعی تلفات ارتش اوکراین در جنگ نوشته است که، تلفات اوکراینی‌ها ۴ تا ۵ برابر تلفات روسیه است و رسانه‌ها برای حفظ روحیه غربی‌ها این دروغ‌ها را منتشر می‌کنند.

تلفات اوکراین طی سه ماهی که ضدحملات تابستانه این کشور علیه روسیه شروع شده به‌شدت افزایش پیدا کرده است. برخی رسانه‌های غربی گزارش داده‌اند که به‌دلیل تلفات بالا دیگر قبرستان‌های اوکراین جایی برای دفن اجساد جدید ندارند. تلفات بالا کاهش مضاعف نیروها را نیز به‌دنبال داشته است. هفته گذشته وزارت دفاع اوکراین الزامات قبلی برای خدمت سربازی را اصلاح کرده و به افراد مبتلا به بیماری‌های مزمن مختلف و حتی روانی اجازه خدمت داد. روز شنبه نیز رسانه‌های اوکراینی گزارش دادند که خروج زن‌های مشمول خدمت از اوکراین نیز ممنوع شده است. پایگاه تحلیلی «ریل کلیر دیفنس» نیز در گزارشی به تلفات بالای جنگ برای اوکراین پرداخته و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا پیروزی در جنگ ارزش این تعداد از تلفات را دارد؟

به گزارش ایسنا این پایگاه آمریکایی می‌افزاید: «برخلاف بازتاب درخشان رسانه‌های غربی از عملکرد اوکراین در جنگ، تحقیق «Responsible Science Journal» در سال ۲۰۲۳ درباره جنگ اوکراین به آمار واقعی تلفات انسانی سنگین این جنگ پرداخته است. این گزارش به یک پرسش اساسی پرداخته است که «از آغاز جنگ تا امروز چند اوکراینی جان خود را از دست داده‌اند» پاسخ حدودی این است که ۱۵۰ هزار نفر بیش از حد معمول از دنیا رفته‌اند؛ آن‌هم تا فوریه سال جاری(اسفند ۱۴۰۱). برای بهبود وضعیت امنیت جانی در اوکراین و پیشگیری از مناقشات در آینده، باید به سؤالات جدیدی پرداخته و این جنگ را از منظرهای جدیدی بررسی کرد.»

این گزارش می‌افزاید: «عملاً تمامی پوشش روزانه مرگ‌ومیر و جراحت‌ها در اوکراین بر اقدامات خشن مانند حملات توپخانه‌ای، بمباران، پهپادها و غیره تمرکز دارند. در بیشتر گزارش‌های غرب از جنگ اوکراین تعداد تلفات روسیه را زیاد و تلفات نظامی و غیرنظامی اوکراین ناچیز، اما جانسوز نشان می‌دهند. اما این روایت‌ها بازنمایی دروغینی از هزینه واقعی این جنگ بوده و تصویر اشتباهی ترسیم می‌کند تا روحیه غرب حفظ شود.»

«ریل کلیر دیفنس» ادامه می‌دهد: «اوکراین در یک سال گذشته دچار کاهش دسترسی به غذا، دارو، خدمات پزشکی و گرمایش بوده است. اوکراین تا ماه فوریه(اسفند) ۱۵۰ هزار مرگ مضاعف ثبت کرد و احتمالا در سرتاسر اروپا هم ۷۰ هزار نفر بر اثر بهای گزاف انرژی در ماه‌های سرد جان خود را از دست دادند. با احتساب ده‌ها هزار اوکراینی که از فوریه تا امروز از دنیا رفته، می‌توان گفت که مجموع تلفات بیش از چهار تا پنج برابر تلفات روسیه است. صدها هزار جوان سالم مجروح شده یا درگیر صدمات روانی شده‌اند؛ آن‌هم در شرایطی که دسترسی به خدمات پزشکی در اوکراین دشوار است. میلیون‌ها تن از شهروندان این کشور هم به دیگر کشورهای اروپا پناه برده‌اند. گرچه بسیاری از آنها در فقر به سر می‌برند، اما تنها یک‌سوم آنها می‌خواهند که به اوکراین بازگردند. نرخ زاد و ولد در اوکراین به‌شدت کاهش یافته است. واقع‌بینانه، صدها هزار اوکراینی تا امروز کشته یا مجروح شده‌اند و زمستان بعدی می‌تواند به مرات دشوارتر باشد. جنگ، اوکراین را به صلابه کشیده و احتمال شکست کی‌یف بالاست.»

در پایان این گزارش آمده است: «برای تصمیم‌گیری درباره رویکرد مناسب در جنگ اوکراین، باید به آسیبی که به حیات انسان‌ها وارد شده توجه داشت. برای حفاظت از یک روستا، نباید آن را تخریب کرد. چند صدهزار جان دیگر باید از دست برود؟ تلفات فراوان و دستاوردهای ناچیز، تأمل‌برانگیز است و غرب هم به فکر فرو رفته است. فارغ از میلیون‌ها انسان که بر اثر این جنگ و توقف صادرات غلات و محصولات کشاورزی با خطر ناامنی غذایی مواجه هستند، نادیده گرفتن تلفات مستقیم جنگ، غریزه را بر آن می‌دارد تا به‌دنبال راه‌های جدیدی برای پیشروی باشد و اوضاع می‌تواند از این بسیار بدتر شود.»

تاثیر تورم در معیشت اروپایی‌ها

جنگ اوکراین براساس گزارش رسانه‌های غربی هزینه‌های سنگینی نیز روی دوش مردم اروپا گذاشته است. براساس گزارش این پایگاه آمریکایی سال گذشته «ده‌ها هزار نفر» در اروپا به‌دلیل بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین فوت کردند. یک مطالعه جدید نیز نشان داد، محدودیت‌های مالی دشوار حاصل از تورم، اروپایی‌ها را بیش از پیش مجبور به کاستن از وعده‌های غذایی و به شرایط «متزلزل» زندگی دچار کرده است. به نوشته پایگاه خبری «یورونیوز»، نتایج مطالعه‌ای تحت عنوان دومین «سنجشگر فقر و تزلزل اروپا» که از سوی شرکت افکارسنجی «ایپسوس» برگزار شد، قدرت خرید اروپایی‌ها در عرض سال‌های اخیر افت پیدا و اکثریت آنها را مجبور به کم کردن وعده‌های غذایی و گزینه‌های مالی آنها را پیچیده کرده است. از مجموع ۱۰۰۰۰ شرکت‌کننده این مطالعه، ۲۹ درصد گفتند که وضعیت مالی آنها «متزلزل» است و هر هزینه غیرمنتظره‌ای باعث برهم خوردن تعادل زندگی آنها می‌شود.

به گزارش فارس طبق نتایج این مطالعه، حدود ۵۰ درصد از اروپایی‌ها بر این باورند که در عرض چند هفته آینده مقهور قیمت‌های فزاینده و حقوق‌هایی که درجا می‌زنند و به وضعیت مالی متزلزل دچار خواهند شد.

نطق ضدآمریکایی نیکلا سارکوزی

همزمان با انتشار این گزارش درباره وضعیت بد اقتصادی اروپا زیر سایه جنگ اوکراین رئیس‌جمهور اسبق فرانسه نیز با انتقاد شدید از پیوستن احتمالی اوکراین به اتحادیه اروپا و ناتو گفت که این اقدام صلح را برای اروپا به ارمغان نمی‌آورد و استقلال این قاره را تضعیف می‌کند. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از راشاتودی، «نیکلا سارکوزی»، با تاکید دوباره بر درخواستش مبنی بر سازش و صلح بین مسکو و کی‌یف، گفت که اگر اوکراین به اتحادیه اروپا ملحق شود، آن‌گاه نفوذ آمریکا بر اروپا به‌شدت افزایش خواهد یافت و استقلال قاره سبز از بین می‌رود. سارکوزی با اشاره اینکه جنگ اوکراین همین حالا جان حدود نیم میلیون نفر که اکثراً اوکراینی هستند را گرفته است، گفت: ولی ما همچنان (به کمک نظامی) ادامه می‌دهیم چون آنهایی که بلوار سن‌ژرمن نشسته‌اند، درباره فرستادن جوانان اوکراینی به کام مرگ، خیلی دلیر هستند! (منظور سارکوزی از بلوار سن‌ژرمن، خیابانی است که به‌واسطه مناظرات پُرتب‌وتاب سیاسی بین فرهیختگان فرانسوی، شهرتی برای خود دست‌وپا کرده است.) رئیس‌جمهور اسبق فرانسه با خودداری از «متجاوز» خواندن روسیه در جنگ، گفت که به باور او، الحاق اوکراین به ناتو و اتحادیه اروپا، که کی‌یف سال‌های سال درصدد آن است، به صلح منجر نخواهد شد زیرا به اعتقاد او «اگر اوکراین را به اروپا بیاورید، آمریکایی‌ها را قدرتمند خواهید کرد چون کشورهای شرق اروپا تحت سلطه واشنگتن هستند.»

به گفته «سارکوزی»، هرچند اوکراین به‌دلیل وابستگی شدید به کمک نظامی واشنگتن، اساساً آرزوها و امیال و نظرات آمریکا را بیان می‌کند اما چنین مسئله‌ای درباره روابط واشنگتن و پاریس صدق نمی‌کند. وی تاکید کرد: فرانسه نظر و رویکردی منحصربه‌فرد دارد و خود را با منافع آمریکا تطبیق نمی‌دهد. «سارکوزی» به‌رغم تاکید بر درخواستش جهت حمایت فرانسه از اوکراین، گفت که به باور او، اوکراین باید در نهایت از غرب ضمانت امنیتی بگیرد اما باید بی‌طرف مانده و همچنان به‌عنوان «پلی بین دنیای روسیه و ما» عمل کند. رئیس‌جمهور اسبق فرانسه تصریح کرد: نمی‌توانیم صرفاً با گفتن جمله «تسلیحات بیشتر، کشتار بیشتر، مقاومت بیشتر» به جنگ دامن بزنیم؛ چطور می‌خواهید خود را از آن بیرون بکشید؟» وی مدعی شد که جنگ اوکراین تنها به سود چین است؛ کشوری که به ادعای وی با «چاپلوسی شرکایش در گروه اقتصادی بریکس» صاحب نفوذ شده و آمریکا نیز با فروش سلاح و عرضه گاز طبیعی با قیمت‌های بالاتر، از جنگ سود می‌برد.

همزمان با سی‌وششمین تظاهرات هفتگی علیه نتانیاهو اتفاق افتاد

شلیک موشک از کرانه باختری به شهرک‌های صهیونیست‌نشین

سرویس خارجی-

عملیات نظامی نیروهای فلسطینی علیه مناطق اشغالی که یک روز پس از تظاهرات گسترده ضدنتانیاهو در هفته سی‌وششم انجام شد، نشان می‌دهد که اسرائیل با بحرانی ترکیبی روبه‌روست.

بحران داخلی در تل‌آویو پایان ندارد. در حال حاضر رژیم صهیونیستی درگیر یک بحران قانون اساسی است و طی ۹ ماه گذشته تل‌آویو و دیگر شهرهای اشغالی صحنه تظاهرات و اعتراضات هفتگی علیه نتانیاهو بوده است. شامگاه شنبه نیز ده‌ها هزار اسرائیلی در شهرهای مختلف ازجمله در تل‌آویو برای سی‌وششمین هفته پیاپی دست به تظاهرات علیه نتانیاهو زدند. تظاهرات روز شنبه پیش از تصمیم کلیدی دیوان عالی در مورد طرح نتانیاهو برای تغییر قوانین قضایی صورت گرفت، تصمیمی که اگر دیوان عالی اتخاذ کند ممکن است به لغو طرح موردنظر نتانیاهو برای تغییر قوانین قضایی منجر شود.

پیش از این ائتلاف راست افراطی به سرکردگی بنیامین نتانیاهو، طرح‌هایی را برای سلب اختیارات دادگاه تهیه کرده بود، اما به‌دلیل فشار شدید معترضان و اختلافات داخلی تنها بخش کمی از این طرح تصویب شد و اکنون مخالفان در تلاش برای لغو همین مصوبه از طریق دیوان عالی هستند. از همین‌رو نیز تظاهرات روز شنبه در تل‌آویو روبه‌روی دادگاه عالی رژیم اسرائیل برگزار شد. معترضان تلاش دارند تا قضات دیوان عالی را به مخالفت با نتانیاهو برانگیزند. آن‌گونه که رویترز گزارش داده است، «ناتی شوارتز-کرشبرگ»، معترض صهیونیست در جریان تظاهرات شامگاه شنبه گفت برای جلوگیری از دیکتاتوری اسرئیل اعتراض می‌کند، چون به گفته او اسرائیل به سمت دیکتاتوری تمام‌عیار پیش می‌رود.

در عین حال اعتراضات در تل‌آویو تنها بحران جاری تل‌آویو نیست، بلکه تل‌آویو با جبهه‌ای متحد از دشمنان قسم‌خورده برای آزادی کامل فلسطین روبه‌روست. از این‌رو نیز کمتر از یک روز پس از آنکه معترضان، خیابان‌های تل‌آویو و دیگر شهرها را به اشغال خود درآوردند، فلسطینی‌ها از هدف‌گیری شهرک «رام اون» با یک موشک «قسام۱» خبر دادند. تیپ العیاش (برگرفته از نام شهید یحیی عیاش، از بنیانگذاران گردان‌های عزالدین القسام) وابسته به گردان‌های القسام در جنین در بیانیه‌ای که پس از شلیک این موشک منتشر کرد، گفت که این عملیات در چارچوب آمادگی و توسعه مستمر، در پاسخ به جنایات دشمن در حق ملت ما، برای گرفتن انتقام آزادگان و شرافت‌مان انجام شده است.

بحران ترکیبی تل‌آویو

عملیات نظامی نیروهای فلسطینی علیه مناطق اشغالی که یک روز پس از تظاهرات گسترده ضدنتانیاهو انجام شد، نشان داد که اسرائیل با بحرانی ترکیبی روبه‌روست. بحرانی که تحت تاثیر اعتراضات و اختلافات داخلی همزمان با عملیات نیروهای فلسطینی علیه اشغالگران تشدید شده و شرایط را برای صهیونیست‌ها دشوارتر از گذشته کرده است.

از سوی دیگر بحران ترکیبی تل‌آویو تاثیر خود را بر اقتصاد و جامعه صهیونیستی نیز گذاشته است. آن‌گونه که تایمز اسرائیل گزارش داده است، ترس از ادامه بحران قانون اساسی در اسرائیل باعث شده تا روز یکشنبه ارزش پول شیکل (واحد پولی رژیم صهیونی